

خداوند در فقر هم، نه تنها ما را فراموش نمی‌کند، بلکه عزمی بزرگ‌تر به ما عطا می‌شود.

شماره پرسش: ۳۰۱۵۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۱۱/۷ ۰۶:۱۶:۵۸

متن پرسش

سلام استاد: پدر من یه آدم خیلی خیلی سادست که هیچ کاری به جز کارگری از دستشون برنمیاد. تا الان که من ۳۰ سالمه همش با خودم فکر می‌کردم ما که زندگیمون میچرخه و مشکل مالی نداشتیم تا الان. اما این سالها مدام تو خونمون به علت بیکاری پدرم دعوا بوده. حالا میگم یعنی خدا این همه سال دلش برای ما نسوخت که هر روز شاهد دعوا و قهر مادرم باشیم؟ و چه اثرات بدی که این دعواها روی ما بچه‌ها داشته و زجری که پدرم از بیکاری و دعوای مادرم کشید. مادرم هر روز کلی پدرمو سرزنش و لعن و نفرین میکنه خصوصاً زمستونا که کار اصلاً نیست برای کارگر. ولی فامیلامون که کارمندن فضای خونشون خیلی پر محبت و آرومه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: زیبایی زندگی را در همین بدانید که چگونه انسان‌ها می‌توانند در همین مشکلات پا برجا باشند. زندگی خود ما هم تقریباً همین‌طور بوده و نتیجه‌اش این شد که مثلاً بنده هرگز از فقر نمی‌ترسم، زیرا تجربه کرده‌ام خداوند در فقر هم، نه تنها ما را فراموش نمی‌کند، بلکه عزمی بزرگ‌تر به ما عطا می‌شود. مادرتان اشتباه می‌کنند که فکر می‌کنند در این سختی‌ها نمی‌توان زندگی کرد. موفق باشید